

مناره در شهرهای اسلامی و نقش آن در نشانه شناسی شهری

علی اوصانلو^۱

^۱ کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران

چکیده

شهرهای اسلامی از گذشته دارای کارکردها و فعالیت هایی بودند که این فعالیت ها نیاز به عرصه کالبدی و فرمی برای بروز و ظهور داشتند. بیشتر کارکردهایی که در شهرهای اسلامی شکل گرفتند یا از قبل از اسلام به عاریه گرفته شده بودند که با تغییراتی برای شهر اسلامی قابل استفاده بودند و یا اینکه پس از اسلام در شهرها ایجاد شده و به کار گرفته شدند. از این رو شهرهای اسلامی دارای شاخصه هایی شدند که آن ها را از شهرهای قبل از اسلام و غیر اسلامی جدا می نمود. برخی از این شاخصه ها در دوره ای ظهور کرده و پس از مدتی افول کرده اند. البته بوده اند تعدادی که همچنان پس از سال ها با یا بدون تغییر شکل پابرجا هستند و به کار خود ادامه می دهند. مسجد یکی از دستاورد های فرهنگی و اساسی شهر اسلامی است که در تبلور کالبدی خود تغییرات چشمگیری در شکل شهر اسلامی ایجاد کرد. مساجدی که از انواع مختلف و در اشکال متفاوتی ساخته می شدند و از بخش های معماری مختلفی نیز بهره مندند. یکی از این بخش هایی که از دیرباز یا همان ابتدای تاریخ اسلام خود را در کنار مسجد دیده و جلوه گر بوده است، مناره می باشد. این ساخته پر معنا که هنر و تمدن اسلامی را در سطح کالبدی آن تعالی بخشیده است. از همین رو در این مقاله با بررسی سیر ایجاد و تحول مناره و کارکرد های آن و همچنین بررسی نشانه شناسی شهری و نظریات مورد بحث در این زمینه، حوزه های دلالت مناره به عنوان نشانه مورد بررسی قرار داده شده است. در انتها نیز به این مهم دست یافته شده است که مناره به عنوان عنصر مهمی در شهرسازی اسلامی دلالت بر نشانه داشته و تمامی شاخصه های آن را در بر دارد. داده های مورد نیاز در این تحقیق به روش اسنادی گردآوری شده است.

واژه های کلیدی: نشانه، مناره، شهر اسلامی، کالبد، فعالیت.

۱- مقدمه

شهرهای اسلامی از ابتدا از اصول و معیارهایی پیروی می کردند که خواسته یا ناخواسته مطابق با اصول شهرسازی نوین، از جنبه های مختلفی دارای نمایانی و کارکردی بودند. این شهرها از الگوهای واحدی پیروی می کردند که گویای نوعی نظم و چیدمان سامان یافته بود. شبکه راههایی که پیوند بین محلات شهر را در پی داشت و یا بازار که محور اقتصادی و فعالیت چرخه زندگی شهر بود و از لحاظ اجتماعی سیاسی و... نیز در نوع خود تاثیرگذار می نمود. خصایص شهر اسلامی در سه قلمرو کالبدی، اقتصادی و اجتماعی دسته بندی می شوند که برخی از این خصایص دارای تبلور ظاهری نظیر بازار ارگ و قلعه هستند. برخی از واحدهای شهری که در تبلور کالبدی فعالیت ها به وجود آمده بودند نقش نشانه را در سلسله مراتب شاخصه های فضای شهری داشتند که در طبقه بندی اصول شهرسازی از وجوه قابل بیان و درخور توجه و در میان جنبه های مثبت شهر اسلامی است. مناره ها نیز در این میان نقشی در کالبد شهر اسلامی داشتند که قابل بیان است. مناره ها با پیشینه تاریخی قبل از اسلام عنصر قابل توجه معماری مساجد پس از اسلام هستند.

در این مقاله سعی بر این است تا جایگاه مناره در شهر اسلامی و انواع آن و سبقه به وجود آمدن آن را مورد کنکاش قرار داده شود و آن را با اصول نشانه شناسی شهری در نظریات شهرسازی مقایسه کند.

۲- ادبیات تحقیق**۲-۱- سابقه ایجاد مناره**

ماهیت مناره را می توان برخلاف دیگر ساختمانهای مذهبی اسلامی مانند مسجد و مدرسه بلافاصله و بی هیچ تردیدی تشخیص داد. چنین به نظر می رسد که ارتباطی بین مناره و عملکرد آن برای گفتن اذان وجود ندارد. (هیلن براند، ۱۳۸۶: ۱۶۹). هنگامیکه ایرانیان به آیین اسلام گرویدند و به ساختن مسجد مشغول شدند دیدند که طرز ساختمان مساجد عربی خیلی ساده است و این امر با ذوق و سلیقه ایرانیان سازش نداشت و از این رو مساجد اسلامی را به سبک بناهای دوره ساسانی برپا نمودند و از همان روشی که در ساخت ستون ها و بنای طاق در بناهای مذهبی و قصور سلطنتی ساسانی معمول بود در بنای مساجد و مناره های اسلامی پیروی کردند (فاضل: ۱۳۷۳).

کورت فریشلر مینویسد: قبل از این که هجرت (که مبدا تاریخ مسلمین است) صورت بگیرد، در قسطنطنیه که امروز موسوم به استانبول است، عماراتی وجود داشت که برای تزیین در آنها منارهای کوچک (یا گلدسته) می ساختند. همچنین منارات از علائم معابد مجوس و یا آتش پرستان می باشد که مسلمین بعد از فتح بلاد عجم (ایران) آنها را برای معابد خود اول بار در کوفه به کار بردند. (غفاری: ۶۳). مذنه هایی که در ایران و هند است، از روی شکل برجهایی ساخته شد که برای دیدبانها و نگهبانان در هر شهری می ساخته اند (مقریزی: ۱۹۱). برکم سه نظریه را در مورد اهداف اولیه بر پا کرد مناره برشمرده است. اولی: بررسی نقش مناره های ابتدایی در مجموعه تاریخی خاص خود، آن هم با این فرض که این نمونه ها پایه و راهنمایی برای تکامل شکل مناره شدند. دوم: بررسی نکات راهنمای موجود در واژگانی است که برای مناره استفاده می شوند و در واقع نوعی بررسی در ریشه یابی واژگان. نظریه سوم بر شکل مناره های اولیه و منابع بی واسطه آنها متمرکز است و بنابراین مستلزم این فرض است که دست کم نشانه هایی از عملکرد ابتدایی متناسب با این شکلها در دوره اسلامی سالم مانده باشد. (برکم، ۱۹۱۸). طبق شواهد اولین مناره در زمان خلافت معاویه در حدود سال ۴۵ ه. ق به درخواست والی عراق برپا شد. بلافاصله پس از آن در سال ۵۳ ه. ق به دستور حاکم مصر چهر مناره به مسجد عمرو در فسطاط مملحق گردید و این در حالی است که در مصر مناره های دیگری به مسجد اضافه می شدند. اگرچه چیزی از ساختمان آنها باقی نمانده است. نکته ای که در مورد آن اتفاق نظر وجود دارد این است که این موضوع تقریباً به طور همزمان از سوریه به مصر و عراق آمده است. به نظر می رسد که کلیه ابداع بنای تاریخی بیشتر در مسائل سیاسی نهفته باشد و نه احیانا در احکام عملی. مناره های ابتدایی جامعه اسلامی بدین منظور استقرار یافتند که به نوعی

بتوانند به غیر مسلمانان بومی نشان دهند که دین جدید قادر به ابداع معماری تاریخی و با عظمت برای خود هست. (هیلن براند، ۱۳۸۶: ۱۷۰)

پیرنیا در کتاب سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی پس از نامبردن انواع مساجد بیان می کند، (در خارج و در مجاورت مسجد مناره ای بنا شده که یادآور ناقوس کلیساها است. مناره عبارت است از برجی بلند که شکل آن در هر کشور تفاوت می کند. این برج ها در بالا به بالکن کاندی ختم می شوند که از آنجا موذن پنج بار در روز مومنان را به گذاردن نماز فرا می خواند (پیرنیا: ۲۰۳).

۲-۲- کارکرد مناره

مناره ها ماذنه ها یا گلدسته ها با الگوگیری از برج های دوره ساسانی که در کنار معابد مورد استفاده قرار می گرفتند از دیرباز نقش کارکردی داشتند. برج آتش فیروز آباد، برج نورآباد و یا بنای زیگورات چغازنبیل از نمونه هایی است که در هنگام تقدس آتش مکمل معابد بودند و مجموعه فضای برج و معبد یک فضای واحد شناخته میشد. (۳۲: ایتد مناره را برای راهنمایی مسافران می ساخته اند و در آن آتشی روشن می کردند که در شب از دور رهنمای مسافران به مقصد باشد، تا به این وسیله مسافران راه را از بی راهه تشخیص دهند. بنابراین فلسفه وجودی مناره را باید در ارائه طریق به پویندگان راه معرفی کرد.

برج ها و مناره ها از گذشته بسیار دور نقش کلیدی هدایت و راهنمایی مسافران را بر عهده داشتند. می توان چنین اظهار کرد اندک شباهت مناره ها به برج های مسیحی حکم شاخص هایی برای مسجد دارند (هیلن براند، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

مناره ها سه کاربرد اصلی دارند: ۱. میل راهنما: برای راهنمایی کاروان ها در مسیر جاده ها و نشان دادن مکانهای اصلی بافت شهری. ۲. اذان گویی و خبررسانی: مکانی برای گفتن اذان. ۳. مناره نماد پیروزی: این نوع مناره ها را از جمجمه سر انسان ها و حیوانات می ساختند. (کیانی، ۱۳۹۱).

همچنین گفته شده است مناره ها برای ساختمان مسجد الزامی می باشند. گنبد یک مسجد یک سطح محدب است با وزن چندین تن. این وزن زیاد سعی در باز کردن قوس گنبد و حرکت پایه های گنبد به طرف بیرون می شود پس اگر پایه ها تکیه گاه مناسب نداشته باشند گنبد فرو می ریزد. مناره ها در حقیقت دو ستون بسیار بلند و سنگین هستند که مانند تکیه گاه مانع از باز شدن قوس گنبد می شوند. بنابراین از نظر علمی وجود مناره الزامی است.

۲-۳- نشانه و نشانه شهری

سوسور در کتاب نظریه زبان شناسی (۱۹۶۸) نشانه را نتیجه همبستگی هر دال و مدلول می داند. پیرس تعریف گسترده تری را از نشانه ارائه می دهد که راه را برای بیرون آمدن نشانه از انحصار زبان شناسان باز تر می کند: "نشانه موردی را به جای مورد دیگر، با نسبت و توانایی خاصی تعریف میکند." چارلز ویلیام موریس در تعریف نشانه می گوید: "هر چه به عنوان نشانه از سوی تاویل کننده ای تاویل شود نشانه است." امبرتو اکو ضمن پذیرفتن این تعریف اضافه می کند: "آنچه بر اساس قرار دادی اجتماعی بتواند به جای مورد دیگری ارائه شود."

نکته مهم در تعمیم نشانه شناسی به شهرسازی آن است که پیرس و سوسور صراحتاً نشانه غیر زبان شناسانه را نیز موضوع دانش نشانه شناسی اعلام می کنند. (بارت، ۱۳۷۸: ۹)

مردم شهر زمانی می توانند از منافع گزینه هایی که کیفیت های یک محیط شهری مطلوب و دارای کارکرد را عرضه می دارند بهره گیرند که بتوانند سامان فضایی مکان و آنچه را که در آنجا می گذرد درک کنند. خوانایی کیفیتی است که موجبات قابل درک شدن یک مکان را فراهم می آورد (تیبالدز، ۱۳۸۶: ۱۱۳). خوانایی در دو سطح اهمیت پیدا می کند: فرم کالبدی و الگوهای فعالیت. مکان ها ممکن است در یکی از این دو سطح خوانا و قابل فهم باشند. برای مثال این احتمال وجود دارد که از فرم کالبدی یک مکان، احساسی روشن مانند لذت بردن از حدی از زیبایی را در یک سطح سامان بخشید. اما برای بهره گیری کامل

از امکانات بالقوه یک مکان باید آگاهی از فرم کالبدی و الگوهای فعالیت به تکمیل یکدیگر بپردازند. این موضوع به ویژه برای افراد بیگانه خیلی مهم است، چرا که آنها نیاز دارند بدون مقدمات قبلی و به سرعت به درک مکان نائل آیند (همان: ۱۱۴). نشانه ها را می توان عواملی در نظر گرفت که برون آن ها به دیده ناظر می آید و مقیاس آن ها ممکن است بسیار متفاوت باشد (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۴۴). از خصوصیات نشانه ها بی نظیر بودن آن هاست: عاملی که منحصر به فرد باشد و در ذهن خاطره ای بگذارد.

جدول تقسیمات ششگانه نشانه شناسی در شهرسازی

شرح	ن: زیستی (بیرونی)	ن: اکولوژیک	ن: اجتماعی	ن: فرهنگی	ن: بصری	ن: تصویری
واحد نشانه در شهرسازی	علائم بصری، صوتی و شیمیایی تعیین کننده قلمروهای شهری	فضای اکولوژیک شهر	واژگان مورد استفاده در شهر	واژگان مورد استفاده در شهر و عادات رفتاری	واژگان و اشکال موجود در شهر	رنگ، شکل، فرم، نور و پرسپکتیو عناصر طراحی شهری
دال در شهرسازی	علائم ارسالی به ساکنان	عناصر فضای اکولوژیک شهری	عمل اجتماعی در شهر	تبلور فرهنگی عناصر در شهر	تصاویر مشاهده شده در شهر	هر آنچه در شهر دیده می شود
مدلول در شهرسازی	واکنش ساکنان	مفاهیم فرهنگی رایج در شهر	مفاهیم اجتماعی رایج در شهر	مفاهیم فرهنگی رایج در شهر	مفاهیم اجتماعی - فرهنگی رایج در شهر	مفاهیم اجتماعی - فرهنگی رایج در شهر

ماخذ: بیتا جمالیپور، به کارگیری نشانه شناسی در شهرسازی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۴، صص ۴۵-۵۴

۳- مناره به عنوان نشانه

لینچ برای شناخت نشانه ها و تصور معنا برای آن ها سه شاخصه را بر می شمرد:

۱. داشتن فرمی واضح

۲. متضاد با زمینه

۳. غلبه و تسلط محل نشانه بر اطراف خود

همچنین لینچ اضافه می کند: زمینه ای که در آن نشانه ای متمایز می شود لازم نیست محدود به اطراف نزدیک آن نشانه باشد. طبق مثال لینچ، ملخ بادنمای تالار فانویل، نشانه ای است، با مظاهر منحصر به فرد و بی نظیر در زمینه ای که تمام شهر برای آن فراهم می کند.

در این بخش می توان برای هر شاخصه مصداقی از مناره را به میان آورد.

در مورد فرم مناره ها:

۱- مناره ها با ارتفاع بلند خود که بسوی آسمان برافراشته است نظر را به بالا می کشاند و عظمت را القاء می کند و عظمت خود یک زیبایی شدید است. استاد محترم علی نقی وزیری درباره عظمت می گوید: عظیم نقطه مقابل قشنگ است، این واژه یکنوع زیبایی خاص شدیدی را توصیف می کند که بوسیله مشاهده موجودات یا اشیائی که دارای عظمت و جلال و جذبه هستند، احساس می گردد (وزیری، ۱۳۳۸: ۱۸۲).

۲- مناره‌ها با باریک شدن و وسیع شدن تنه و حلقه‌ها و قرنیس‌های تزیینی خود زیبایی خاصی را القاء می‌کند که می‌توان آن را در دسته‌های گل، بخصوص نیلوفر و میخک، احساس نمود و شاید بهمین علت «گلدسته» نیز نامیده شده است مانند گلدسته‌های آستانه حضرت رضاع) در مشهد و گلدسته‌های مسجد سپهسالار تهران مورخ اواخر قرن سیزدهم هجری.

۳- جفت مناره‌ها، اضافه بر عظمت، تقارن را القاء می‌کند و قرینه‌سازی مشخصه غالب هنرهای هندسی ایرانی، بخصوص معماری، است مانند جفت مناره ایوان جنوبی مسجد گوهرشاد مشهد و دو مناره منارجنبان اصفهان (Lonson, 1965:200). مناره در تضاد با زمینه: به طور کلی همه مناره‌ها را می‌توان تضاد با زمینه خود دانست. زیرا مناره‌هایی که سر به فلک کشیده اند و از مقیاس انسانی دیده می‌شوند، احجامی هستند در زمینه آبی آسمان. از این رو این اشکال در زمینه خود، نمایانی ایجاد می‌کنند.

-لینچ اضافه می‌کند اگر فضایی که عاملی معماری در آن قرار گرفته بر محیط خود غلبه داشته باشد آن عامل می‌تواند بدو طریق به صورت نشانه‌ای جلوه‌گر شود.

۱. عامل از نقاط بسیار، مرئی باشد.

۲. با عوامل نزدیک خود کنتراست داشته باشد.

۳. اگر نشانه‌ای در محل تقاطع چند راه واقع شود بر قدرتش می‌افزاید.

در فرهنگ عمید تعریفی از مناره آمده که گویای مرئی بودن مناره از نقاط بسیار می‌باشد:

منار- ع (بفتح میم) جای نور، جای روشنایی، ساختمان برج مانند که در کنار راه می‌سازند برای چراغ روشن کردن یا راهنمایی (عمید، ۱۳۳۷: ۱۲۱۴)

منار بالفتح و رای مهمله. ع. چراغدان و جای بلند که بر آن چراغ افروزند چراکه یان صیغه اسم ظرف است بمعنی جای نور و مجازاً جای بلند از آن گفتند و دوستون که از خشت و یاسنگ برمین و شمال مساجد بناکنند شاید که در زمانه قدیم بر آن چراغ می‌افروخته باشند بهمین سبب آن را منارا گویند بزیادتی تحتانی غلط محض است و نیز منارنشان که در راه برپا کنند (آندراج: ۴۱۳۶).

از این تعارف می‌توان پی برد که مناره‌ها از قدیم الایام در راه‌ها و همچنین با ارتفاع بلند ساخته می‌شدند تا از نقاط دور و بسیاری قابل دیدن باشند.

-لینچ بیان میکند عوامل زیر در افزایش قدرت نشانه نقش دارند:

۱. قدمت تاریخی

۲. واجد علامت مشخص

۳. مترتب بودن معنا بر نشانه

با مشاهده نمونه‌های زیر در می‌یابیم که مناره‌ها هم دارای قدمت تاریخی و هم اینکه دارای معنای تقریباً نزدیک به یکدیگر، در دوران قبل و بعد از اسلام بوده‌اند. از این رونشانه‌هایی قوی شمرده می‌شوند.

از قدیم الایام منار و مناره برای هدفهای کم‌وبیش مشابه با هدفهای دوران اسلامی در ایران و سایر کشورها مورد استفاده بوده است که چند نمونه بشرح ذیل ذکر می‌شود:

برج بابل - این برج در زمان حمورابی (۱۹۶۱-۰۰۳ قبل از میلاد) برای مردوک خدای بابل ساخته شده و پلکان آن در خارج تعبیه شده بود (بهمنش، ۱۳۳۹: ۹۴)

زیگورات چغازنبیل - این برج عظیم مطابق در شرق دشت شوش برافراشته است و تصور می‌کنند سابقاً در اطراف آن مزارع و باغهایی برای روحانیان و خدمتگزاران این بنای مذهبی وجود داشته است. این برج، منسوب به اوتتاش‌گال (۱۲۲۷-۱۲۳۴ قبل از میلاد) پادشاه ایلام، دارای پنج طبقه و ۵۳ متر ارتفاع بوده و در طبقه پنجم آن عبادتگاهی وجود داشته است (واندنبیگ، ۱۳۴۵: ۷۲).

همچنین دیده می شود همه مناره ها از سه بخش بدنه یا ساقه، تاج یا کلاهک و پایه تشکیل شده اند پس همگی دارای علامتی مشخص و آشنا می باشند.

-نشانه ها ممکن است گاه عواملی جدا و مستقل باشند و هیچ عاملی دیگر بر تاثیر آنان نیافزاید. چنین نشانه هایی، نشانه های ضعیفی هستند؛ زیرا ممکن است به سهولت از دیده بگریزند یا برای یافتن آنان جستجویی مداوم لازم باشد. چراغ راهنمایی یا نام یک خیابان از این مواردند. (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۵۱)

با مشاهده موارد متعدد از مناره های تاریخی یا موجود در اسلام به نمونه هایی برخورد می کنیم که متضاد با تعریف نشانه ضعیف هستند. به عنوان نمونه زکی محمد حسین در صنایع ایران پس از اسلام اشاره می کند:

مناره های مساجد ایران از قرن اول تا پنج هجری ساده و منفرد، گاهی وصل به بنا مانند مسجد جامع نائین و گاهی با فاصله از بنا چون مسجد گلپایگان، ساخته میشد ولی از اوایل قرن هفتم هجری جفت مناره درمداخل بنا معمول گردید و به گفته دونالدن. ویلبر: «استادانه ترین و از نظر معماری زیباترین وسیله اهمیت دادن به سردری که به خیابان باز می شد، بلند ساختن آن و قرار دادن دو مناره در دو طرف آن بود» (محمد حسین، ۱۳۲۰).

-بیشتر اوقات نشانه های کوچک بصورت دسته جمعی خودنمایی میکنند. وجود هریک دیگری را تقویت می کند و زمینه کلی همه آنان تا اندازه ای در شناسایی هر یک تاثیر دارد. (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

به عنوان مثال از تجمع مناره ها در یک زمینه کلی، می توان به مناره های بارگاه حضرت معصومه (س) در شهر مقدس قم و یا مناره های مسجد پیامبر اعظم (ص) در مدینه منوره اشاره نمود.

-به نظر می رسد استفاده از نشانه هایی که به دنبال یکدیگر ردیف شده باشند و دارای تسلسل باشند و دیدار اجزا هر یک از آن ها انتظار دیدار دیگری را در ناظر به وجود می آورد و اجزا مهم در آن ها سبب می وشد ناظر به سمتی خاص قدم بردارد، شیوه ای معمولی برای مردم در رفت و آمد ایشان در شهر باشد. تسلسل نشانه ها، شناخت و به خاطر سپردن آن ها را آسان می کند. (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

جدول زیر مقایسه بین مشخصه های لینچی نشانه و مشخصه های مناره را نمایش می دهد:

مناره	نشانه شهری	مشخصه های لینچی
✓	✓	داشتن فرم واضح
✓	✓	متضاد با زمینه
✓	✓	غلبه و تسلط محل نشانه بر اطراف خود
✓	✓	مرئی بودن از نقاط بسیار
✓	✓	کنتراست با عوامل نزدیک
✓	✓	عاملی در تضاد فرهنگی با زمینه خود
✓	✓	قدمت تاریخی
✓	✓	واجد علامت مشخص
✓	✓	مترتب بودن معنا بر نشانه

ماخذ: نگارنده

۴- بحث و نتیجه گیری

آنچه در پژوهش حاضر بیان شد، در مورد چگونگی قرار گیری مناره ها، به عنوان عنصری معماری در شهرهای جهان اسلام از ابتدا تا کنون بود. مناره که در بیشتر شهرهای اسلامی همراه با مسجد می آید و در سر در ورودی مساجد یا بالای دیوار یا پشت

بام مساجد خودنمایی میکند کارکرد های خاص خود از جمله،وظیفه رساندن صدای موذن به شهروندان،افزودن به زیبایی مسجد،ایجاد جلال و شکوه در کالبد و ... را دارد.ولی در این مقاله سعی شد کارکرد مناره به عنوان عنصری شهرسازی در زمینه نشانه های شهری مورد بحث قرار گیرد.طی بررسی های انجام شده و نتایج به دست آمده مشخص شد همه مشخصه هایی را که یک نشانه شهری باید دارا باشد تا نام نشانه شهری را بتوان بدان اطلاق کرد در مناره های شهر اسلامی موجود است.مناره هایی که لااقل یکی از مصادیق نشانه در آن ها وجود دارد و میتوان از آن ها به عنوان نشانه یاد کرد و یا همه مشخصه ها را یک جا در خود دارند.بنابر این تفسیر می توان با جایگذاری و مکان یابی صحیح،شکل سامان یافته و چهره بصری زیبا در مناره،از آن به عنوان نشانه شهری برای هدایت،ایجاد حس مکان،ایجاد تناسب بصری و جلوه زیبایی در برابر دیدگان شهروندان استفاده نمود.

منابع

۱. بارت، رولان(۱۳۷۵)،اسطوره امروز،ترجمه شیرین دخت دقیقیان، نشر مرکز،تهران.
- ۲.بخشی،علیرضا،(مناره جلوه زیبای معماری مساجد)،مجله حوزه هنری،سال اول،شماره ۱،صص ۳۲-۳۳
- ۳.بهمنش،احمد(۱۳۳۹)،تاریخ ملل قدیم آسیای غربی،تهران،ص ۹۰-۹۴.
- ۴.بتلی،ای بن(۱۳۸۶)،محیط های پاسخده،ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت،تهران.
- ۵.پیرنیا،محمد کریم(۱۳۸۷)،سبک شناسی معماری ایرانی، نشر سروش دانش،تهران.
- ۶.جمالپور،بیتا،(به کارگیری نشانه شناسی در شهرسازی)،مجله هنرهای زیبا،شماره ۲۴،زمستان ۱۳۸۴،صص ۴۵-۵۴
- ۷.حیبی،محسن(۱۳۸۷)،از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران،تهران.
- ۸.زمانی،عباس،(منارومناره تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران)، مجله هنرهای زیبا،دوره ۱۱، ش ۱۲۱، آبان ۵۱، ۶۲-۷۲
- ۹.سلطان زاده،حسین(۱۳۸۵)،فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران، دفتر پژوهش های فرهنگی،تهران.
- ۱۰.غفاری،علی اکبر، تعلیقات بر تهذیب الاحکام شیخ طوسی، چاپ مکتبه الصدوق، ج ۲، ص کتاب الصلاه، باب اذان و اقامه، ص ۳۰۷، ذیل حدیث ۱۱۳۴.
- ۱۱.کورت،فریشلر(۱۳۶۹)،امام حسین و ایران،ترجمه ذبیح الله منصوری،انتشارات جاویدان،تهران.
- ۱۲.کیانی،محمد یوسف(۱۳۹۱)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی،انتشارات سمت،تهران.
- ۱۳.مقریزی، الخطط المقریزیه، المساه بالمواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الاثار، ج ۳، منشورات دارالعرف لبنان، ص ۱۹۱.
- ۱۴.لینچ،کوبین(۱۳۸۷)،سیمای شهر،ترجمه منوچهر مزینی،انتشارات دانشگاه تهران،تهران.
- ۱۵.محمد حسین،زکی(۱۳۲۰)،صنایع ایران بعد از اسلام،ترجمه محمد علی خلیلی،لوحه ۱،تهران.
- ۱۶.هیلن براند،رابرت(۱۳۸۶)،معماری اسلامی،ترجمه ایرج اعتصام،نشر شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری

دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، صفحات ۸-۱

۱۷. واندنبرگ، لویی (۱۳۴۵)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران، ص ۷۰-۷۲.

۱۸. وزیر، علینقی (۱۳۳۸)، زیباشناسی در هنر و طبیعت، تهران، ص ۱۸۲-۱۸۳

۱۹. هواگ، جان و هنری مارتن (۱۳۶۸)، سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.

20.A. Pope(1965), Persian Architecture , London , 1965, p. 200, No. 265